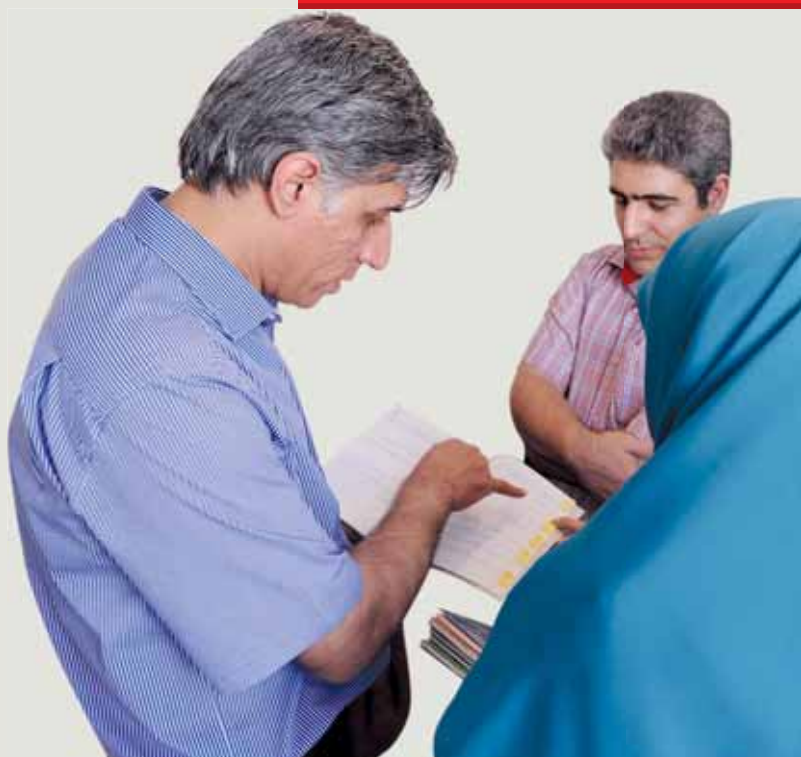


آغاز خوب

مدرسه مبین بسطام و اصلاح نظام آموزشی



دکتر ابراهیم طلائی

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

۱. تشکیل اجتماعات حرفه‌ای و علمی از کنار هم قرار گرفتن اقداماتی همچون مدرسه مبین بسطام و سایر اقدامات این چنینی که در گوشه و کنار این کشور توسط افراد پراکنجه و خیرخواهی همچون آقای فرزین‌نیا در حال پیگیری است. به عبارت دیگر اگر قرار باشد اندازه اثر و مساحت اثر درمقیاس بزرگ‌تری ارتقا یابد، لازم است شبکه‌ای از نهادهای فعال مردمی که اقدام به ورود به حوزه آموزش کرده‌اند شکل گیرد. این الگو در کنفرانس فوق‌الاشاره توسط گروهی از مدارس پیش‌رو در هند، سنگاپور و چند کشور اروپایی نیز پیگیری شده و نتایج مؤثری را در سطح منطقه آموزشی گزارش می‌نمودند. سطح منطقه آموزشی یک سطح بالاتر از سطح مدارس پیش‌رو است. در ایران شبکه‌ای در سطح مدارس نیز به‌ندرت مشاهده می‌شود. این الگو را می‌توان در چند سطح متصور شد: سطح داخلی یک مدرسه یعنی سطح مشارکت بین‌معلمان در داخل یک مدرسه با تشکیل گروه‌های تخصصی و نیمه تخصصی تحت راهبری مدیر راهبر مدرسه یا معلمان راهبر؛ سطح مدارس، که در آن چند مدرسه با یکدیگر شبکه‌ای برای همکاری و تسهیم دانش و تجربه و ناظر به مسائل خاص مبتلا به شکل می‌دهند؛ سطح منطقه که در آن چند منطقه آموزشی برای پرداختن به مسائل مشخص شده پداگوژیک (و نه مسائل اداری، کتاب‌های جدید التألیف...) شبکه‌ای را شکل می‌دهند. شاید گفته شود ما در ایران چنین شبکه‌هایی را تحت عنوان‌هایی همچون گروه‌های آموزشی داریم. این همان پاسخ کلیشه‌ای است که ما در ایران همه چیز را در سطح شکل (فرم) اما بدون کارکرد (function)

از زمانی که از سفر یک روزه به بسطام برگشته بودم، مدام در اندیشه نوشتن یادداشتی درباره این سفر به منظور جمع‌بندی «دیده‌هایم» و برابر نهادن آن‌ها با «دیده‌هایم» بودم. اما چارچوب نظری مناسبی برای توصیف مفهومی آن پیدا نمی‌کردم و همان‌طور که متخصصین حوزه پژوهش‌های کیفی پیشنهاد داده‌اند، این چارچوب‌های نظری (انتزاعی نمودن روابط بین پدیده‌ها در یک چارچوب معنی‌دار براساس داده‌های تجربی مشاهده شده یا تولید شده) معمولاً در مکانی دیگر از میدان پژوهش و حتی ممکن است از رشته علمی دیگری برانسان به اصطلاح حادث! شود اما لازمه‌اش آمادگی ذهنی برای چنین حدوثی است (درگیر بودن دایمی ذهن در هوشیاری و نیمه‌هوشیاری). تا اینکه پیام آقای حشمتی در حین برگزاری سیزدهمین کنفرانس بین‌المللی «آموزش و توسعه» در دانشگاه آکسفورد (www.ukfiet.org) درباره نگارش یادداشت به دستم رسید و زمانی بود که در آن کنفرانس، هم بازخوردی‌های شرکت‌کنندگان به ارائه‌ام و هم شرکت در ارائه‌های نهادها و افراد مختلف، ذهنم را برای شکل‌دهی آن چارچوب مفهومی آماده‌تر نموده بود. در این نوشته با تاسی به چارچوب نظری فراهم شده، به دنبال این برهان هستم که اقدامات این چنینی همانند تأسیس و راه‌اندازی مدرسه‌هایی همانند مدرسه مبین در بسطام نمی‌تواند آغاز خوبی برای اصلاح آموزش و پرورش در سطح کلان (سیزده میلیون و پانصد هزار دانش‌آموز در سال تحصیلی جاری) یا به اصطلاح غربی‌ها system-wide education reform باشد مگر به چند شرط که در زیر آمده است:



پژوهشی هم‌علاقه» در خود ایجاد کرده‌اند.

۴. گنجی به نام داده: بسیاری از سؤالاتی که روز بازدید، بازدیدکنندگان از مدیر مدرسه مبین می‌پرسیدند از جنس «تأثیر» بود: تأثیر چنین روشی و کنش‌هایی بر بچه‌ها. پاسخ‌های داده شده قطعاً اگر با داده‌های متقن ارائه می‌شد، مثلاً داده‌هایی که با یک مطالعه طولی اولین دوره دانش‌آموزان مدرسه مبین را برای طول تحصیل مدرسه‌ای و پس از آن و با ابزارهای قابل وثوق تولید شده بودند، هم باورپذیری آن‌ها را افزایش می‌داد و هم فضای مناسب‌تری برای نقد فراهم می‌نمود. یکی از نهادهایی که در کنفرانس مذکور کار خود را ارائه می‌کرد نهادی بود که ۱۵ سال با گروهی از مدارس ضعیف لندن کار می‌کرده تا توانسته تغییری ملموس، شفاف و قابل رؤیت به وجود آورد. این تغییر را براساس مطالعه طولی و روندی که همراه این پروژه بوده، کاملاً مستند و با کمک گرفتن از دانشگاه‌ها ارائه نموده است. مجال این نوشته بیش از این نیست و باید بحث را جمع‌بندی کنیم. اقدامات و فعالیت‌های آقای فرزند نیا و گروه خوش‌نیت و سخت‌هسته‌ای که در کنار خود ساخته‌اند، بسیار قابل تقدیر است. نیت خالصانه و کنش عالمانه و فرهیخته این دوستان، فضایی مطلوب برای رشد و بالیدن گروهی از فرزندان این کشور فراهم نموده و امید است که این گروه هم در کار و پیشه و زندگی خود و هم در برگشت به مجموعه مبین و کمک به تربیت افرادی دیگر کمک کنند اما نکته‌ای که در این نوشته بنده به دنبال آن بودم این بود که در مجامع بین‌المللی بیشتر از آنکه شاهد مدرسی باشیم که توسط افراد دغدغه‌مند و برای انجام کاری متفاوت در تعلیم و تربیت شروع شده باشند، شاهد توسعه سریع نهادهایی غیردولتی هستیم که به مدارس موجود خدمات کیفیت‌بخشی - به معنای واقعی کلمه کیفیت - می‌دهند. به عبارت دیگر نهادهای تخصصی به کمک دولت آمده‌اند تا مدارس موجود را در اندازه اثر و مساحت اثر وسیعی کمک دهند. این نهادها خود با یکدیگر شبکه‌های تخصصی ایجاد کرده‌اند تا جوانب مختلف کار تعلیم و تربیت را هدف قرار دهند. ان‌شاء‌الله در ایران هم به زودی شاهد هم‌افزایی نهادهای مردم نهاد آموزشی و بخش دولتی باشیم و از این هم‌افزایی به نفع بچه‌های این مرز و بوم استفاده کنیم.

داریم. یعنی برای کارکرد خاصی این فرم‌ها تشکیل شده‌اند اما از همان اول یا آرام آرام به سمت ایفای کارکردهای کاملاً متفاوتی رفته‌اند. در سفر بسطام و فرمایشات آقای فرزند نیا هم این ذکر می‌شد که ما برای برخی (با بسیاری) از امور نیازمند همراهی و استفاده از خروجی‌ها و تولیدات و تجربه‌ها هستیم. گرچه تجربه غنی ۱۵ ساله این مدرسه هم برای خودشان و هم برای مدرسی که با آن‌ها شبکه شوند، گنج عظیمی است اما همان‌طور که ذکر شد مسائل تعلیم و تربیت آنقدر گسترده است که نمی‌توانم همه چیز را خودمان تجربه و آزمایش کنیم، بلکه مشارکت و جمع‌های هم‌علاقه و هم‌هدف، می‌توانند سرعت، دقت، صحت و قیمت کار را بهبود بخشند.

۲. مدارسی همچون مدرسه مبین بسطام نیازمند بال دیگری به جز بال تجربه هستند و آن هم بال علم و استفاده از نتایج علمی حوزه‌های مختلف تربیت است.

گرچه مشخص بود که مدرسه در تلاش است این بال را فراموش نکند ولی مدرسه داری و واقعیات گذران مدرسه، بخش مهمی از وقت را به خود می‌گیرد خصوصاً آنکه در کشوری هستیم که معلم (با نیروی انسانی با کیفیت برای موقعیت‌های مختلف) به صورت انبوه نداریم که مدیر دگر اندیش بتواند بلافاصله یا با اندکی آموزش و هم‌نفسی، آن‌ها را به کار گیرد. برای همین، بخش زیاد و وقت زیادی از کار مدیر صرف تأمین نیروی انسانی و پشتیبانی‌های مالی و اداری می‌گردد و فرصتی برای غور در آخرین یافته‌های علمی (چه آموزش حوزه‌های یادگیری همانند آموزش خواندن، نوشتن، ریاضی... چه آموزش عمومی همانند رویکردهای اثربخش پداگوژیک، مدیریت کلاس، ارزشیابی...) و تبدیل آن‌ها به دلالت‌هایی برای کنش معلم وجود ندارد. شاید هم نباید چنین انتظاری برود که یک نفر یا چند نفر که در مدرسه مبین «ها» کار می‌کنند چنین امر گسترده‌ای را محقق سازند. برای همین الگوی نظری پیشنهادی کنار هم قرار گرفتن آموزشگاه و دانشگاه است. مدرسه مبین لازم است توسط اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها تغذیه علمی شود و اعضای هیئت علمی هم لازم است توسط نتایج به‌دست آمده در میدان عمل تغذیه شوند. الگوهای موفق توسعه آموزشی که در کنفرانس فوق‌الشاره از فعالیت‌های خود گزارش می‌دادند، به اهمیت هم‌افزایی بین آموزشگاه و دانشگاه (آن هم به صورت محلی) تأکید مضاعف داشتند.

۳. استقرار و راه‌اندازی واقعی و جدی واحد «تحقیق و توسعه» در مدرسه: در مدرسه‌هایی همچون مدرسه مبین بسطام، که با انرژی و با نیت‌های تحول‌خواهانه، کار آغاز می‌گردد، احتمال اینکه آرام آرام به سیر طبیعی آموزش ایرانی برگردند و تنها روی چند خط محدود، متمرکز شوند، بسیار بالاست. یعنی اینکه یکی دو مسیر تمرکز را پیشه می‌کنند و تحول‌خواهی همه‌جانبه آموزش برای تربیت کودک و نوجوان همه‌جانبه به فراموشی سپرده می‌شود. داشتن واحدی در مدرسه که بتواند نقش آینده‌پژوهی و ریل‌گذاری را برای مدرسه ایفا کند بسیار ضروری است. در کنفرانس مذکور بیان می‌شد که مدارس موفق این واحد را تحت عناوین متفاوتی همچون «تحقیق و توسعه»، «تیم راهبری» و «گروه‌های